

# آموزش امن، خلاق و انسان محور در اندیشه والدورف

## گزارشی برگرفته از بازدید مدرسه گرین والدورف مسکو

### اصول بنیادین آموزش والدورف

فلسفه والدورف برگرفته از دیدگاه «رودولف اشتاینر<sup>۳</sup>» است که انسان را دارای سه بُعد اندیشه، احساس و اراده می‌داند. این مکتب با تلفیق هنر، کار عملی و تفکر، یادگیری را تجربه‌ای انسانی و زیسته می‌کند. در این رویکرد، آموزش متناسب با نیازهای شناختی، عاطفی و عملی هر مرحله رشد است. هدف چنین رویکردی پرورش انسانی مستقل در تفکر، همدل در احساس و آگاه در عمل است. طرفداران این نظریه باور دارند با ترکیب تخیل، احساس و تجربه بدنی، یادگیری عمیق‌تر می‌شود و لذا ساختار مدرسه میان فعالیت‌های ذهنی، هنری و حرکتی توازن برقرار می‌کند. آن‌ها تأکید دارند محیط فیزیکی بخشی از فرایند تربیت است؛ بنابراین از عناصر طبیعی مثل رنگ، نور، بافت، چوب و... به عنوان ابزارهای زنده یادگیری استفاده می‌کنند.

مدرسه در منطقه‌ای سرسبز و باغ مانند با ساختمان‌هایی از مصالح طبیعی ساخته شده است. رنگ‌های ملایم، نور طبیعی و چوب حس آرامش و تعلق را تقویت می‌کند. در فضای حیاط، بچه‌ها با لباس‌های ساده و راحت، در حال بازی با وسایل چوبی هدمند بودند. فضایی که

۳. رودولف اشتاینر (Rudolf Steiner) ۱۸۶۱-۱۹۲۵ اشتاینر انسان‌شناسی است که به درک انسان به عنوان موجودی چندوجهی (جسمانی، روانی و روحی) می‌پردازد و بر تکامل فردی و جمعی تأکید دارد.

مائده اصفهانی‌پور با مدرک کارشناسی روان‌شناسی و کارشناسی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، به مدت ۹ سال مدیریت مهدکودک و پیش‌دبستانی «بازی و اندیشه» بر عهده داشته است. از سال ۱۳۹۰ در مجتمع آموزشی حضرت جوادالائمه (ع) در سمت معلم، معاون آموزشی و مسئول مقطع ابتدایی فعالیت داشته و از سال ۱۴۰۳ تا کنون، به عنوان «دستیار توسعه مدیریت» در این مجموعه مشغول به فعالیت و یادگیری است.



در تابستان امسال و در جریان سفر به روسیه از مدرسه‌ای<sup>۱</sup> با رویکرد والدورف بازدیدی انجام شد که فرصتی ارزشمند را برای مشاهده مدرسه‌هایی با رویکردهای خاص، فراهم آورد. گزارش پیش رو ضمن معرفی رویکرد اجرا شده در این مدرسه موضوع «مدرسه امن، یادگیری امن» را در بستر مشاهدات حاصل از این بازدید بررسی می‌کند.

1. grain Waldorfschool
2. Waldorfeducationapproach



فضایی که به جای  
هیاهوی معمول رنگ  
تفریح، آرامش و آزادی  
در آن موج می‌زد



به جای هیاهوی معمول زنگ تفریح، آرامش و آزادی در آن موج می‌زد. در کلاس‌ها، میز و نیمکت‌های متحرک امکان تغییر آزادانه جای دانش‌آموزان را فراهم می‌کردند. قفسه‌های کلاس مملو از ابزارهای هنری، مواد طبیعی مانند چوب، پارچه، پشم و... بود. دیوارهای رنگ شده با رنگ‌های طبیعی، تابلوهای نقاشی دانش‌آموزان و عطر چوب در کارگاه صنایع دستی، فضایی آرام و صمیمی ایجاد کرده بود. مدرسه حیاط بزرگی با درختان میوه، گل‌کاری و باغچه‌های آموزشی دارد.

#### نقش معلم در رویکرد والدورف

در مدرسه‌های والدورف، نقش معلم در مدرسه فراتر از انتقال دانش است؛ آن‌ها به‌عنوان همراه و راهنمای دانش‌آموزان عمل می‌کنند. رویکرد آنان مبتنی بر گوش دادن فعال و هدایت غیرمستقیم است؛ به جای دستور دادن، با پرسیدن سؤالاتی مانند «خودت چه نظری داری؟» «شما چطور فکر می‌کنی؟» «چه حسی داری؟» کودک را به کشف و ابراز نظر تشویق می‌کنند. این شیوه که در آن، اشتباه به‌عنوان پلی برای یادگیری تلقی می‌شود، امنیت روانی و اعتماد متقابل را شکوفا می‌سازد.

یک معلم معمولاً چندین سال با گروهی از دانش‌آموزان همراه است تا شناخت عمیقی از توانایی‌ها و مسیر رشد هر کودک پیدا کند و به‌عنوان الگو و الهام بخش در زندگی آن‌ها باشد. یادگیری در این فضا زمانی معنا دار است که دانش‌آموز احساس امنیت، احترام و پذیرش کند.

#### فرایند یادگیری در دوره‌های گوناگون

در دوره ابتدایی، تمرکز اصلی بر پرورش احساسات و تخیل کودکان است؛ چرا که تخیل نیروی حیاتی در رشد محسوب می‌شود. آموزش

از طریق داستان، نمایش، موسیقی و نقاشی ارائه می‌شود. به جای کتاب‌های درسی سنتی، دانش‌آموزان دفترهایی دارند که مطالب درسی را خودشان ثبت و تصویرسازی می‌کنند. به‌عنوان مثال، مفاهیم پایه هندسه با روایت داستانی درباره حرکت خورشید و ماه آموزش داده می‌شود و سپس دانش‌آموزان با ترسیم اشکال هندسی و بحث درباره تقارن، درگیر فرایند یادگیری می‌شوند. هنر جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره مدرسه است و هدف اصلی، تربیت روح و شخصیت

کودک، نه فقط تقویت حافظه، تعریف می‌شود.

دوره متوسطه با محوریت درک مفاهیم علمی و اجتماعی از طریق تجربه‌های عملی پیش می‌رود. به‌عنوان نمونه، هنگام بازدید از کلاس فیزیک دیدیم که دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک و با ابزارهای ساده، مفهوم «فشار

هوا» را بررسی و مشاهده می‌کنند. در این رویکرد، تمرکز

بر فرمول‌نویسی صرف نیست، بلکه دانش‌آموزان خود پدیده‌ها را مشاهده، تحلیل و استنتاج‌هایشان را ثبت می‌کنند. معلم در این مرحله نقش هدایتگر را دارد و پس از آزمایش، گفت‌وگوهای گروهی درباره کاربردهای علمی در زندگی روزمره شکل می‌گیرد.

در دبیرستان، دانش‌آموزان والدورف به شرکت در پروژه‌های پژوهشی و کارورزی‌های اجتماعی تشویق می‌شوند.

به‌عنوان مثال، برخی از دانش‌آموزان تحقیقی را درباره «تأثیر آلودگی نوری بر مشاهده آسمان شب» با جمع‌آوری داده‌ها و ارائه گزارشی هنرمندانه شامل عکس، نقاشی و تحلیل علمی انجام داده بودند که مورد توجه قرار گرفت. این فعالیت‌ها مرز میان علم و هنر را از میان برداشته و یادگیری را به تجربه‌ای پویا و شخصی تبدیل کرده است.

در رویکرد والدورف، ارزیابی به جای آزمون‌های رقابتی، بر سنجش مستمر، مشاهده فردی و گزارش‌های

توصیفی جامع استوار است. در این مدرسه،

گزارش‌های توصیفی جامع، پیشرفت ذهنی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموز همراه با نمونه آثار هنری ثبت می‌شود تا عزت نفس و درک درونی و از یادگیری پرورش یابد. مدیر مدرسه بر اعتماد به رشد طبیعی کودک تأکید دارد؛ هیچ ارزیابی عددی وجود ندارد و جلسات روزانه معلمان به شکل همفکری برگزار می‌شود که الگویی از امنیت ساختاری

**رویکرد آنان مبتنی بر گوش دادن فعال و هدایت غیرمستقیم است؛ به جای دستور دادن، با پرسیدن سؤالاتی مانند «خودت چه نظری داری؟» «شما چطور فکر می‌کنی؟» «چه حسی داری؟» کودک را به کشف و ابراز نظر تشویق می‌کنند. این شیوه که در آن، اشتباه به‌عنوان پلی برای یادگیری تلقی می‌شود، امنیت روانی و اعتماد متقابل را شکوفا می‌سازد.**

است. این رویکرد، برای یادگیری آزاد و منعطف، فضایی را فراهم می‌آورد که با مسئولیت‌پذیری همراه است. آزادی در انتخاب موضوع نقاشی بر اساس احساسی که موسیقی به کودکان می‌دهد، به آن‌ها می‌آموزد که خلاقیت با تعهد به اتمام کار گره خورده است. مدرسه با پرهیز از تنبیه، تهدید یا رقابت مخرب، فضایی امن ایجاد می‌کند که در آن، فرد همان‌طور که هست، پذیرفته می‌شود و رفتارهایی چون بازخورد سازنده، احترام به تفاوت‌ها و بروز استعدادها فردی، جوهره اصلی این رویکرد را تشکیل می‌دهد.

فعالیت‌های صنایع دستی مانند ساخت وسایل کاربردی با چوب و پارچه، نه تنها مهارت‌های حرکتی را تقویت می‌کند، بلکه صبر، دقت و هماهنگی ذهن و دست را پرورش می‌دهد. این باور که «زمانی که چیز جدیدی می‌سازند، درون خودشان هم چیزی تغییر می‌کند»، فلسفه والدورف را بازتاب





هماهنگی میان مدرسه، خانواده و جامعه مشهود است؛ والدین در فعالیتهای مدرسه مشارکت فعال دارند و جشنهای فصلی و نمایشها، پیوند میان آموزش و زیست روزمره را تقویت می‌کنند. جامعه مدرسه، مانند خانواده‌ای بزرگ، ارزشهای مشترکی چون احترام و همکاری و خلاقیت را پاس می‌دارد. پاسخ مدیر به پرسش درباره اجرای این تجربه‌ها در مدرسه‌های ایران این بود: «ما نمی‌توانیم نسخه بدهیم؛ اما با استفاده از تجربه‌های هم می‌توانیم بفهمیم چگونه می‌شود در هر فرهنگ، مدرسه‌ای امن ساخت.» والدورف الگوی تقلیدی نیست، بلکه نگرشی انسانی به آموزش است.

### اصول والدورف را می‌توان در چهار مورد خلاصه کرد:

- آموزش همه‌جانبه؛ پرورش هم‌زمان عقل، احساس و عمل.
- هنر و طبیعت؛ مؤثرترین ابزار برای یادگیری عمیق و پایدار.
- محیط امن؛ تقویت حس آرامش و پرورش استقلال، خلاقیت و مسئولیت‌پذیری در محیطی آزاد، نه در فشار و رقابت.
- معلم؛ همراه و راهنمایی که «می‌بیند»، «می‌فهمد» و «هدایت می‌کند».

**هماهنگی میان مدرسه، خانواده و جامعه مشهود است؛ والدین در فعالیتهای مدرسه مشارکت فعال دارند و جشنهای فصلی و نمایشها، پیوند میان آموزش و زیست روزمره را تقویت می‌کنند.**

### مفهوم «مدرسه امن» در رویکرد والدورف

مشاهدات و بررسی‌ها نشان از آن دارد که در مدرسه‌هایی چون مدرسه‌های والدورف فضایی امن برای رشد کودک فراهم می‌آید، جایی که اعتماد، آزادی و همراهی جایگزین کنترل و



می‌دهد که یادگیری را فرایندی درونی و انسانی می‌داند. کار با ابزار واقعی در کارگاه چوب به کودکان می‌آموزد که «اشتباه کنیم؛ ولی ناامید نشویم».

هنر ستون اصلی آموزش والدورف است؛ موسیقی، نقاشی، نمایش و رقص تاروپود روزانه را تشکیل می‌دهند. آغاز روز با آواز و تنیده شدن عناصر هنری در درس‌های تاریخ، مانند بازی نقش‌ها یا نقاشی بالهام از آن‌ها، محتوا را از حالت انتزاعی به تجربه‌ای ملموس و عاطفی تبدیل می‌کند.

طبیعت نیز بخشی جدایی‌ناپذیر از برنامه است؛ کلاس‌ها بیشتر اوقات در فضای باز برگزار می‌شوند و دانش‌آموزان در باغ، مراقبت از حیوانات و مشاهده طبیعت، زمان یادگیری را سپری می‌کنند. پروژه ساخت آلاچیق در حیاط، نمونه‌ای از کار گروهی است که در آن، دانش‌آموزان خودشان وظایف را تقسیم و با گوش دادن به یکدیگر، حل اختلاف نظر و حفظ هویت مستقل، مهارت‌های اجتماعی را کسب می‌کنند. یادگیری زبان نیز با بازی و حرکت در طبیعت، مفاهیم را زنده می‌کند و یادگیری به تجربه بدنی و عاطفی تبدیل می‌شود که در آن، ذهن و بدن با هم درگیر هستند.

محدودیت شده است. کودک بی‌هراس از خطا تجربه می‌کند، می‌آموزد و رشد می‌کند. پیوند میان هنر، طبیعت و انسان امنیت روانی و تربیتی را تحقق می‌بخشد. آموزش در این مدرسه بر شکوفایی انسان، نه انباشت اطلاعات، تأکید دارد. یادگیری ترکیبی از تجربه، احساس و اندیشه است؛ فرایندی که ذهن با تفکر، قلب با احساس و دست با عمل یکی می‌شوند و در نهایت منجر به تربیت انسانی آزاداندیش، همدل و آگاه می‌شود. این نوع آموزش به نوعی مدرسه را به محیطی زنده و انسانی تبدیل می‌کند؛ جایی که کودکان زندگی را تجربه می‌کنند.

امنیت آموزشی حاصل اعتماد، رابطه انسانی و طراحی اندیشیده یادگیری است، نه دیوارهای بلند و دوربین‌های نظارتی. برای ایجاد مدرسه امن می‌توان از اصول والدورف درس گرفت؛ محیط دل‌آرام و زیباشناختی، روابط انسانی مبتنی بر احترام، یادگیری همه‌جانبه و تجربی، مدیریت مشارکتی بدون خشونت و پیوند مدرسه و خانه. این رویکرد کودک را نه گیرنده دستور، بلکه انسانی در مسیر رشد می‌بیند که امنیت، مقدمه یادگیری اوست. □

